



حسین سرآبادانی تفرشی  
پژوهشگر هسته عدالت پژوهی مرکز رشد  
دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق علیه السلام

## اشتراکی‌گری از نوعی دیگر

آیا مصرف مبتنی بر همکاری می‌تواند منجر به عادلانه‌تر شدن اوضاع شود؟

### ۱. مروری بر اقتصاد اشتراکی [۱]

دیکشنری کمبریج «اقتصاد گیگ» را این‌گونه تعریف می‌کند:

«روشی از اشتغال که در آن به جای کار کردن برای یک کارفرمای مشخص، افراد به کارهای پاره‌وقت و جدا از یکدیگر مشغول می‌شوند و هر کدام از آن‌ها درآمد مجزای خود را دارند».

در این الگوی اقتصادی مدیریت، درآمدزایی، رصد و پایش، ارزشیابی و حتی شورش و اعتراض علیه این الگو همه و همه از طریق الگوریتم یا نرم‌افزار نصب شده در گوشی‌های هوشمند صورت می‌پذیرد. اقتصاد گیگ به نوعی مدیریت و درآمدزایی از مجرای نرم‌افزار بر افراد است و در مورد مثالی همچون اوبر، این نرم‌افزار بسترساز تعامل و معامله P to P در فضای تجارت الکترونیک و کسب‌وکارهای الکترونیک است.

در واقع این الگوریتم هزینه مبادله [۵] میان دو فرد را برای معامله کاهش داده و از این مجرای ضمن خلق ارزش برای طرفین، برای خود نیز سود کسب می‌کند. مشاغل اینترنتی خود را بیشتر از سایرینگاه‌های اقتصادی با تغییر و تحولات نوظهور در محیط کسب‌وکار همگام کرده

امروزه با توسعه فناوری اینترنت و گوشی‌های هوشمند، از نسل جدید توسعه اقتصادی سخن گفته می‌شود؛ این نسل جدید که به معنای حاکمیت و سلطه یک الگوریتم بر افراد انسانی است ابتدا در صنعت حمل‌ونقل بروز کرد. اقتصاد گیگ [۲] با ظهور و پیشرفت کسب‌وکار اوبر [۳] ابتدا در آمریکا و بعد در کل آمریکای شمالی و اروپا طرح و معنا شد؛ به‌گونه‌ای که در برخی منابع مفهوم اقتصاد اوبری در برابر این کسب‌وکار نوین ابداع شد. استارت‌آپ «اوبر» کسب‌وکاری است که با برنامه گوشی‌های هوشمند کار می‌کند، هر کسی که درخواست خودرو داشته باشد از طریق آن و با کمک مکان‌یاب گوشی درخواست خود را ثبت می‌کند و نزدیک‌ترین خودرو به سرعت در محل حاضر می‌شود. امروز اوبر با فتح کشور به کشور به بازارهای مختلف وارد صنعت‌های دیگر نیز شده و در آنچه به نام اقتصاد گیگ یا اقتصاد اشتراکی (با منظرهای متفاوتی که این دو اصطلاح دارند [۴]) معروف شده پیشگام است. الگوی داخلی این مدل کسب‌وکار در کشور ما، تاکسی‌های اینترنتی همچون «اسنپ» و «تپسی» است.

و ضمن ایجاد اشتغال پایدار و ارزش افزوده در چرخه اقتصاد، برای بقا در محیط‌های رقابتی تلاش می‌کنند. اما «اقتصاد اشتراکی» در جهان با ابزارهایی همچون دنیای دیجیتال و اینترنت، روند رو به توسعه‌ای را طی کرده است. پیش‌ازاین مدل‌های اقتصاد مشارکتی در قالب‌های گوناگون استفاده می‌شد؛ اما در اکثر این مدل‌ها طرفین اشتراک دو یا چند نفر معدود بودند. این در حالی است که هم‌اکنون اقتصاد اشتراکی به دنبال درگیر کردن طرفین بیشتر در استفاده از کالاها و خدماتی است که نیازهای یک نفر را در مدت کوتاهی برطرف می‌کند.

## ۲. عدالت اجتماعی و اقتصاد اشتراکی

پرداخت به ابعاد ناظر بر عدالت اجتماعی در مورد پدیده‌ای این چنین گسترده که هیچ توافقی در مورد تعریف اولیه آن نیز وجود ندارد، کمی دشوار و عجولانه به نظر می‌رسد اما ناچار مهم است که پیش از بروز آثار آن بر ساختار اقتصادی کشور، پیامدها مورد توجه قرار گیرد؛ تحلیل پیامدهای این الگوی اقتصادی از منظر تأثیرات توزیعی و اجتماعی یکی از آن پیامدهاست.

پدیده‌ای که از کتابخانه‌های محلی همسایگان تا به اشتراک‌گذاری دوچرخه‌های محلی و تا شرکت‌های چندمیلیارد دلاری هواپیمایی ظهور و بروز داشته است، همگی نشان‌دهنده آن است که مصرف مبتنی بر مشارکت [۷] رو به افزایش است. اگرچه پدیده به اشتراک‌گذاری کالا و خدمات پدیده جدیدی نیست؛ اما فناوری‌های جدید و روندهای فرهنگی جامعه معاصر حرکت به سمت جایگزینی دسترسی [۸] به جای مالکیت [۹] را تسریع کرده است. مزایای اجتماع‌گرایانه و پایداری مالی این انتقال به نوعی یک خروج از فرهنگ اسراف‌جویانه و انزوای طلبانه مصرف‌گرایی بعد از جنگ جهانی دوم است که به شکل عیان مورد استقبال قرار گرفته است. نکته مهم آن است که هرگونه تعریف از مالکیت به تبع حاصل نگاه شما به حوزه عدالت اجتماعی است.

با این وجود، بعد از تحسین‌ها پیرامون اقتصاد اشتراکی، پرسش‌ها و تردیدهایی در مورد وعده‌های این الگوی اقتصادی از سوی تحلیل‌گران انتقادی عالم اجتماعی مطرح گردیده است. ابهاماتی مانند اینکه چه کسی به پلتفرم [۱۰] دسترسی دارد؟ سود برای چه کسانی است؟ چه کسانی قواعد را تنظیم می‌کنند؟ آیا آن‌ها

اقتصاد اشتراکی از دیرباز وجود داشته؛ در این مدل مالکیت یک نفر یا یک شرکت بر کالا یا خدمت به اشتراک گذاشته شده کاملاً مشخص است. توسعه فناوری موجب شده تا دامنه اقتصاد اشتراکی توسعه یابد و به یک روش جدی در کسب و کار تبدیل شود. جوهره اصلی در این اقتصاد، تغییر ماهوی در نهاد مالکیت و تغییر منظر در خرید و تصاحب کالا و خدمات است. «وقتی می‌توان چیزی را با قیمت کمتر و با روش ساده‌تر اجاره کرد، چرا آن را بخریم؟» اصل نوآوری صورت گرفته در اینجا نوعی نوآوری در مفهوم و ماهیت مصرف با ابزار «اشتراک‌گذاری» [۶] است. هزینه پایین‌تر برای مشتری، در دسترس‌پذیری بالا، خدمت با کیفیت و امکان ارزیابی تعامل اقتصادی، از مزایای این مدل کسب و کار است.

اما این ساختار اقتصادی، برندگان و بازندگان دارد و حسب چارچوب منافع بازیگران مختلف، پیامدهای خاص خود را به دنبال خواهد داشت. این امر ضرورت به روزرسانی و تنظیم‌گری هوشمندانه و فعال دولت‌ها در کسب و کار است.

اما این ساختار اقتصادی، برندگان و بازندگان دارد و حسب چارچوب منافع بازیگران مختلف، پیامدهای خاص خود را به دنبال خواهد داشت. این امر ضرورت به روزرسانی و تنظیم‌گری هوشمندانه و فعال دولت‌ها در کسب و کار است.

در الگوی اقتصادی گیگ مدیریت، درآمدزایی، رصد و پایش، ارزشیابی و حتی شورش و اعتراض علیه این الگو همه و همه از طریق الگوریتم یا نرم‌افزار نصب‌شده در گوشی‌های هوشمند صورت می‌پذیرد.

واقعاً ارتباط معتبری میان رده‌های نسل و طبقه برقرار می‌کنند؟ چه حفاظت‌ها و حراست‌هایی از کارگران، کاربران و عموم وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها به نوع خاص پلتفرم و شرایط هر کدام به تناسب خصوصیات ذاتی‌اش، بستگی دارد. یکی از بحث‌های قابل طرح، براساس این پرسش‌ها توجه به اقتصاد اشتراکی به عنوان یک نیروی تحولی برای عدالت اجتماعی و زیست‌محیطی است.

از این جهت به نظر می‌رسد اقتصاد اشتراکی دارای پیامدهای [۱۱] بالقوه مثبت و منفی است. در بعد چالشی و تهدیدکنندگی، مسائل مرتبط با نیروی کار شامل افزایش اشکال غیراستاندارد کار، موقتی‌سازی کار، وابستگی تام به الگوریتم نرم‌افزاری به جای کارفرما و تغییر ماهیت رابطه کارفرما با کارگر، قراردادهای اشتغال منعطف و یک‌سویه، افزایش نابرابری دستمزدی و سازوکار قیمت‌گذاری یک‌سویه به نفع صاحبان سرمایه، افزایش نرخ بیکاری بخش‌های سنتی و کاهش قوانین حمایتی از کارگران از جمله موارد قابل طرح در پیامدهای آن در بازار کار است.

در مورد پیامدهای این الگو بر عدالت زیست‌محیطی نوعی ابهام وجود دارد که نیازمند مطالعه‌های تجربی خاص است. برخی بر این باورند که این الگو ضمن جلوگیری از مصرف بی‌رویه منابع طبیعی، موجب بهره‌گیری کارآمد منابع و حفظ و نگهداشت منابع طبیعی می‌شود. در مقابل منتقدین ضمن غلوشمردن استفاده کارآز از منابع طبیعی در اقتصاد اشتراکی، معتقدند به گونه دیگری محیط زیست در معرض تهدید و آسیب است.

به عنوان مثال در مورد نمونه رایج اقتصاد اشتراکی، تاکسی‌های اینترنتی، این موضوع قابل طرح است. صاحبان استارت‌آپ‌های تاکسی‌های آنلاین بر این باورند که کسب‌وکارهای جدید آن‌ها با نوعی مدیریت تردهای شهری توانسته است باعث کاهش تردد و به تبع کاهش ترافیک و آلودگی هوا شود؛ چراکه بهره‌وری

استفاده از خودرو از حدود ۰/۶ به ۱/۵ افزایش یافته و افراد در مسیر رفت و برگشت در حال رساندن مسافران به مقصد هستند. در مقابل برخی مطالعات و شواهد تجربی نشان می‌دهد که ورود این تاکسی‌های آنلاین به نوعی بازار را در این حوزه گسترده‌تر و تقاضا برای استفاده از این خودروها را به جای وسایل حمل و نقل عمومی افزایش داده است. در واقع در اینجا به جهت کاهش قیمت و افزایش کیفیت خدمات، تقاضاها و افرادی که تا پیش از این در بازار حضور نداشتند، وارد بازار شده و به جهت این سازوکار انگیزشی، استفاده از این خودروها رو به تزايد است. نتیجه چنین اثر انگیزشی، افزایش تردد و به تبع افزایش ترافیک و آلودگی هوا است؛ درست برخلاف استدلال صاحبان این کسب‌وکارهای جدید. با این حال نظر متداول آن است که اقتصاد اشتراکی، تغییر الگوی مصرف بی‌رویه و به تبع مصرف عادلانه‌تر را برای جهان امروز فراهم کرده است؛ ادعایی که تا اثبات قابل قبول راه طولانی در پیش دارد.

به نظر می‌رسد اقتصاد اشتراکی هنوز در دوران ابتدایی رشد خود است و با توجه به گستره ذینفعان مختلف در مورد آن، نگرش به آن به عنوان یک نیروی خوب تحولی با اختلاف‌هایی روبرو است؛ برخی نیز اقتصاد اشتراکی را با ملاحظات زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی طرح می‌کنند. می‌توان دو سویه متفاوت را در باب اقتصاد اشتراکی رؤیت نمود. از سویی اشتراک‌گذاری نیازهای اساسی چون غذا موجب بهبود رفاه طبقه کم‌درآمد جامعه می‌شود و از سوی دیگر کارآفرینان و صاحبان سرمایه با پلتفرم‌های خود، سودهایی کلان از تشویق عموم جامعه به اشتراک‌گذاری و اجاره کالاهای کم‌مصرف افراد می‌برند و این اهمیت توجه به ابعاد توزیع درآمدی نابرابر ساز در اقتصاد اشتراکی را مضاعف می‌کند. در این

نظر متداول آن است که اقتصاد اشتراکی، تغییر الگوی مصرف بی‌رویه و به تبع مصرف عادلانه‌تر را برای جهان امروز فراهم کرده است؛ ادعایی که تا اثبات قابل قبول راه طولانی در پیش دارد.

اشتراک‌گذاری کالاهای اولیه و امور خیریه برای تعدیل نابرابری‌ها مورد نیاز است. پرداخت به نابرابری و فقر ریشه در برنامه‌ها و ساختارهای عمومی دارد که باید در اقتصاد جدید مورد بازنگری قرار گیرد تا نابرابری‌های ناموجه کاهش یابد.

در شرایط کنونی به نظر می‌رسد پیامدهای توزیعی و عدالت محور اقتصاد اشتراکی، سویه دوگانه دارد: از سویی برخی ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های آن با کاهش هزینه تمام شده خدمات و افزایش دسترسی‌ها، موجب تحقق بیشتر عدالت اجتماعی و برابری مصرفی شده است؛ از سوی دیگر برخی سازوکارهای نابرابرساز به صورت کاملاً فعال در این الگوی اقتصادی وجود دارد که بالقوه امکان افزایش نابرابری‌های افسارگسیخته را فراهم می‌آورد.

پی‌نوشت

[1]. Sharing economy. ترجمه‌هایی همچون «تشریکی، مشارکتی، تسهیمی» نیز برای این نوع اقتصاد شده است و تنها نقطه ضعف ترجمه «اشتراکی» شباهت آن با لفظی است که در ادبیات معاصرما در مورد اقتصاد سوسیالیستی حول مالکیت عمومی ابزارهای تولید این کلمه به‌کاررفته است.

[2]. gig economy

[3]. Uber

[4]. مفهوم «Sharing Economy» در زبان انگلیسی نیز دارای معادل‌های متفاوت و متنوعی است که غالباً مفهوم اصلی آن‌ها حول استفاده مشترک از یک خدمت و دارایی در بستری اینترنت است. البته ممکن است بسته به تعبیر استفاده شده، حدود و ثغور این مفهوم جابه‌جا شود. عباراتی چون «Gig economy»، «peer to peer economy»، «Sharing economy»، «Collaborative economy»، «Platform economy»، «Access economy»، «Circular economy»، «Trust economy» و «Reputation economy» از جمله عبارات مورد استفاده برای این مفهوم است که با تسامح در یک معنا استفاده می‌شوند؛ اما در جای خود دارای ابعاد متفاوت مفهومی و دلالت‌های گوناگون عملی‌اند. مثلاً آنگاه‌که از منظور نرم‌افزاری و تسلط آن بر این مدل کسب‌وکار سخن گفته می‌شود، عبارت اقتصاد گیگ مطرح می‌گردد.

[5]. Transaction cost

[6]. Sharing

[7]. Collaborative consumption

[8]. Access

[9]. Ownership

[10]. Platform .

[11]. Impact

[12]. Extrinsic values



جهت نظام مالیاتی و سازوکارهای توزیع‌کننده منافع، نقشی کلیدی در سرریز منافع ناشی از توسعه فناوری برای عموم جامعه با هدف تحقق عدالت اجتماعی و سرریز شدن این منافع در میان عموم جامعه دارد. اگر ارزش‌های بیرونی [۱۲] همچون تولید ثروت در جامعه به عنوان مبنای مطرح گردد، توجه به اقتصاد اشتراکی از منظر ارزش‌های ذاتی چون عدالت اجتماعی به حاشیه می‌رود و این امر تحلیل‌گران را به مطالعه اقتصاد اشتراکی از این منظر ترغیب خواهد نمود.

اعتماد، سرمایه اجتماعی و تعامل مبتنی بر روابط میان فردی بلندمدت و پایدار جوهره اصلی اقتصاد اشتراکی است که تمام بیم‌ها و امیدها در مورد آینده آن حول این مفاهیم سازمان می‌یابد. با این حال تکیه بر روابط میان فردی در تحقق عدالت اجتماعی ناکافی به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد نیازمند راه‌حل‌های مبتنی بر خط‌مشی‌های عمومی با تأکید بر ریشه‌های ساختاری فقر و نابرابری هستیم که از جمله ابتدایی‌ترین آن‌ها الزام دولت‌ها برای تأمین دسترسی جهانی به کالاها و خدمات اساسی است. بدین جهت نیازی فراتر از به

اعتماد، سرمایه اجتماعی و تعامل مبتنی بر روابط میان فردی بلندمدت و پایدار جوهره اصلی اقتصاد اشتراکی است که تمام بیم‌ها و امیدها در مورد آینده آن حول این مفاهیم سازمان می‌یابد.